

- ایران با حکومت متمرکز اداره نمی‌شود
- سطح آزادی زنان، سطح آزادی جامعه ما را تعیین خواهد کرد
- سرنوشت ما با سرنوشت تمام خلق‌های ایران درهم‌تنیده است



انکار گردها، دولت ایران را
به بیراهه‌های تاریک خواهد کشاند

آرشیو

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/یزاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی
سال چهاردهم، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی هجدهم

مهر ۱۴۰۵



OCTOBER 2026



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثر نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.



telegram:

[PJAKMEDIACENTER](https://t.me/PJAKMEDIACENTER)

Gmail:

PJAKMEDIACENTER@GMAIL.COM



آزادی، از پرسش تا ساختن آینده

آنکه وعده‌ای از سوی قدرت‌ها باشد، اراده‌ای زنده در بطن جامعه است؛ اراده‌ای که می‌خواهد نه فقط شرایط زندگی، بلکه شیوه اندیشیدن، رابطه انسان‌ها با یکدیگر و معنای سیاست را نیز دگرگون کند.

در این شماره از مجله «آلترناتیو»، در گفت‌وگویی با گلاویژ اورین، سخنگوی رسانه پژاک، به بخشی از همین پرسش‌های بنیادین می‌پردازیم. این گفت‌وگو از تجربه و نگاه او به مسئله زن و ضرورت دگرگونی ذهنیت مردسالار آغاز می‌شود و به وضعیت سیاسی ایران، جایگاه خلق‌کرد و دیگر هویت‌های جامعه، مسئولیت نیروهای سیاسی، ضرورت همگرایی و چشم‌انداز آلترناتیو دموکراتیک پژاک می‌رسد. آنچه این مباحث را به یکدیگر پیوند می‌دهد، این پرسش است که آیا می‌توان آینده‌ای آزاد ساخت، بی‌آنکه مناسبات سلطه و انکار را در شکل‌های تازه بازتولید کرد؟ در

آینده را نمی‌توان تنها با تغییر چهره‌های قدرت ساخت؛ همان‌گونه که آزادی، صرفاً با فروپاشی یک نظام سیاسی به دست نمی‌آید. مسئله این است که پس از عبور از نظم موجود، چه جامعه‌ای می‌خواهیم بسازیم و چه جایگاهی برای انسان، زن، هویت‌های گوناگون و اراده آزاد مردم در آن قائل هستیم. ایران امروز با پرسش‌هایی روبه‌روست که پاسخ به آن‌ها نمی‌تواند به جابه‌جایی قدرت یا جایگزین کردن یک مرکز اقتدار با مرکزی دیگر محدود بماند. مسئله، فراتر از تغییر حکومت، به امکان شکل‌گیری جامعه‌ای آزاد، دموکراتیک و متکثر بازمی‌گردد؛ جامعه‌ای که در آن هیچ خلقی به‌خاطر هویت خود انکار نشود، هیچ زنی از حق تصمیم‌گیری درباره زندگی خویش محروم نماند و هیچ نیروی سیاسی خود را صاحب انحصاری آینده مردم نداند. انقلاب «ژن ژیان آزادی» بار دیگر نشان داد که آزادی، پیش از

قدرت و نابرابری روبه‌رو بوده است، به سوی جامعه‌ای حرکت کرد که بر آزادی، مشارکت و احترام متقابل استوار باشد؟ پاسخ این پرسش آماده و از پیش نوشته‌شده نیست؛ باید آن را در گفت‌وگو، آگاهی، سازمان‌یابی و اراده آزاد جامعه جست‌وجو کرد. این مصاحبه تلاشی است برای گشودن دریچه‌ای به همین جست‌وجو.

این میان، آزادی زن موضوعی حاشیه‌ای یا مسئله‌ای جدا از دموکراسی نیست؛ معیاری اساسی برای سنجش عمق هر تحول اجتماعی و سیاسی است. همچنین، به رسمیت‌شناختن حقوق خلق‌ها نه تهدیدی برای همزیستی، بلکه ضرورتی برای شکل‌گیری رابطه‌ای برابر و آزاد میان بخش‌های گوناگون جامعه است.

خواندن این مصاحبه، دعوت به مکث و اندیشیدن درباره آینده‌ای است که نمی‌تواند تنها به دست سیاستمداران و از پشت درهای بسته ساخته شود. آینده زمانی معنای واقعی پیدا می‌کند که مردم بتوانند درباره سرنوشت خویش سخن بگویند، در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند و بدون چشم‌پوشی از هویت و آزادی خود، در ساختن زندگی مشترک سهم داشته باشند. آلترناتیو دموکراتیک نیز هنگامی از یک مفهوم سیاسی فراتر می‌رود که بتواند در اندیشه، روابط اجتماعی و اراده جمعی مردم ریشه بدواند. شاید مهم‌ترین پرسش پیش روی ما همین باشد: چگونه می‌توان از جامعه‌ای که دهه‌ها با انکار، تمرکز



مصاحبه‌ی اختصاصی با
رفیق گلاویژ اورین (عضو و
سخنگوی رسانه پژاک)

گلاویژ اورین، عضو و سخنگوی رسانه پژاک، در این شماره از
مجله «آلترناتیو» به بررسی مهم‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی
روز می‌پردازد؛

از جایگاه و آزادی زن و پیامدهای انقلاب «ژن ژیان آزادی» تا
وضعیت سیاسی ایران، حقوق خلق‌گردد، ضرورت دموکراسی و
همزیستی آزاد خلق‌ها، و چشم‌انداز آلترناتیو دموکراتیک پژاک
برای آینده‌ای مبتنی بر آزادی، مشارکت و به‌رسمیت‌شناختن
تفاوت‌ها سخن می‌گوید.

آلترناتیو: اگر از سطح اخبار روزمره فراتر برویم و وضعیت سیاسی ایران را از منظر ساختار قدرت بررسی کنیم، جمهوری اسلامی امروز در چه موقعیتی قرار دارد؟ آیا با بحرانی مقطعی روبه‌رو هستیم یا شرایط کنونی از بحرانی عمیق‌تر در ساختار سیاسی و شیوه حکمرانی حکایت دارد؟ چه شواهدی این ارزیابی را تأیید می‌کنند؟

گلاویز اورین: ایران در حال گذار به سوی تغییر و تحولات عمیق است. نه تنها منطقه خاورمیانه در برابر تحولات گسترده‌ای قرار گرفته، بلکه پرسش اصلی و اساسی این است که چرا خلق‌ها احساس می‌کنند به تغییر سیستم‌های موجود نیاز دارند.

در واقع، شیوه مدیریت و ساختار دولت‌های متمرکز نمی‌توانند پاسخگوی بسیاری از مطالبات خلق‌ها، زنان و ملت‌ها باشند. از یک‌سو، می‌توان از دخالت قدرت‌های جهانی در سیستم دولت‌ملت‌های اقتدارگرا سخن گفت؛ که البته علت مداخله موجود، تحمیل هژمونی خویش بر منطقه است. اما در اساس، آنچه این دولت‌ها را ناگیر به

تغییر می‌کند، موضع‌گیری خود خلق‌ها و جوامع است. بدون شک، موضع‌گیری جوامع زمینه‌ساز تحول بنیادین در ساختار دولت و قدرت می‌شود. جامعه، سیستم سیاسی و شیوه حکمرانی موجود را غیردموکراتیک می‌داند و به این درک رسیده است که آزادی‌اش از او سلب شده و اراده سیاسی و اجتماعی‌اش تحت سلطه قدرت قرار گرفته است.

نبود دموکراسی واقعی، با وجود آنکه این دولت‌ها بسیار از دموکراسی سخن می‌گویند، باعث می‌شود جامعه وضعیت موجود را نپذیرد. به باور من، تمایل به زندگی آزاد، میلی قدرتمند است که در جوهره بسیاری از جوامع خاورمیانه و جهان وجود دارد. با وجود تلاش‌هایی که برای دور نگه‌داشتن جوامع از این میل و خواست صورت گرفته است، جامعه موجودیتی آزاد دارد و انتخاب‌هایش را خودش انجام می‌دهد. من این میل به آزادی را بیش از هر چیز در زنان می‌بینم؛ زنانی که در برابر همه فشارها و سرکوب‌ها سر تعظیم فرود نیاورده‌اند و به مقاومت خود ادامه می‌دهند. توجه داشته باشید که در جوهره بسیاری از انقلاب‌های اجتماعی، موضع‌گیری زنان نقشی تعیین‌کننده

اسلامی و شیوه حکمرانی آن در میان خلق‌های ایران از دست رفته است و این رژیم باید این حقیقت را ببیند.

آلترناتیو: در شرایط کنونی، کدام نیروها و نهادها بیشترین نقش را در تعیین سیاست‌های کلان ایران دارند؟ اختلافات احتمالی میان جریان‌های درون حاکمیت چه تأثیری بر آینده سیاسی کشور خواهد گذاشت؟ آیا ساختار سیاسی موجود ظرفیت اصلاح و بازسازی خود را دارد یا با محدودیت‌های ساختاری جدی روبه‌روست؟

گلاویز اورین: در وضعیت موجود، هر نیرو و نهادی که در صحنه حضور دارد، باید این حقیقتی را که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، درک کند. هر کس جامعه را بفهمد و پاسخگوی خواسته‌های آن باشد، می‌تواند به حضور خود ادامه دهد؛ اما کسی که با زور و اجبار موجودیت خود را بر جامعه تحمیل می‌کند، نمی‌تواند در سیاست امروز ایران نقش تعیین‌کننده و مثبتی ایفا کند. در حال حاضر، تناقضات و چالش‌های فراوانی در درون سیستم جمهوری اسلامی

داشته است. اگر امروز در ایران از تغییر سیستم، قوانین و ساختار حاکمیت سخن می‌گوییم، به این دلیل است که در درجه نخست، زنان ایران این سیستم را نمی‌پذیرند.

**مشروعیت جمهوری اسلامی
در میان خلق‌های ایران از
دست رفته است**

**وضعیت موجود را نمی‌توان
صرفاً به جنگ میان دو قدرت
حاکم جهانی و منطقه‌ای
تقلیل داد**

ایران از سنت کشورداری عمیق و تاریخی دیرینه برخوردار است؛ اما در کنار آن، سنت و فرهنگ جامعه «زن - مادر» نیز بسیار قدرتمند و ریشه‌دار است. با شیوه‌های حکمرانی امروزی جمهوری اسلامی، اداره چنین جامعه کهن و برخوردار از تاریخ و پیشینه‌ای قدرتمند و معنادار دیگر امکان‌پذیر نیست.

وضعیت موجود را نمی‌توان صرفاً به جنگ میان دو قدرت حاکم جهانی و منطقه‌ای تقلیل داد. مشروعیت جمهوری

هر ساختار سیاسی می‌تواند تغییر کند و اصلاحات بزرگی را در خود به وجود آورد. این امر چندان عجیب نیست و شاهد نمونه‌های بسیاری از آن در جهان هستیم؛ اما جریانی تاریک‌اندیش در ایران همواره مانع تغییر شده، مخالفان را سرکوب کرده و با بهره‌کشی از کارگران و زحمتکشان خلق‌های ایران، خود را به نهادی مافیایی و سازمانی تروریستی تبدیل کرده است؛ جریانی که تا به امروز نیز دست به کشتارهای فراوان می‌زند.

**بزرگ‌ترین مانع تغییر،
جریانی است که در برابر
دگرگونی مقاومت می‌کند
هر کس جامعه را درک کند
و پاسخگوی خواسته‌های آن
باشد، می‌تواند به حضور
خود ادامه دهد**

برای دموکراتیک شدن ایران، در درجه نخست باید این جناح یا هر گرایشی که با زور و خشونت خود را در مرکز تعیین سیاست قرار می‌دهد

وجود دارد. این حکومت دیگر ساختاری یکپارچه و قدرتمند ندارد. می‌دانیم که جریان‌های بسیاری دیگر نمی‌خواهند ایران بر اساس ینش «ولایت فقیه» اداره شود. حتی کسانی که خود در تأسیس جمهوری اسلامی نقش داشته‌اند، اکنون به این باور رسیده‌اند که این سیستم نمی‌تواند احکام خود را بر جامعه تحمیل کند و محکوم به شکست است. این تناقضات از همان آغاز جمهوری اسلامی وجود داشته‌اند و همچنان ادامه دارند. کم نبوده‌اند کسانی که به بهانه مخالفت با منافع سیستم و خط ایدئولوژیک رژیم، به قتل رسیده‌اند. در ایران، پدیده‌ای به نام «قتل‌های زنجیره‌ای» وجود دارد. همواره بخشی تاریک در درون دولت بوده که در برابر تغییر مقاومت کرده است. آن‌ها برای جلوگیری از بلند شدن صدای مخالفان، جنایت‌های بزرگی مرتکب شده‌اند و تا به امروز نیز همان جناح رادیکال بر سر قدرت باقی مانده است. با وجود اینکه قدرت این جریان در سال‌های اخیر تضعیف شده و در انزوا قرار گرفته است، همچنان می‌کوشد با تکیه بر قوانین و تسلط بر اقتصاد ایران، موقعیت خود را حفظ کند.

و تا به امروز از خون مردم و مخالفان سیراب نشده است، شناخته و تسویه شود. این جریان‌ها به بهانه حفاظت از منافع سیستم، می‌خواهند ایران را وارد جنگی بزرگ کنند و بیش از هر چیز در تلاش‌اند تا آتش جنگ داخلی را شعله‌ور سازند. تمام جریان‌های سیاسی، چه در داخل ایران و چه در خارج از کشور، باید این رویه پنهان و تروریزه‌شده دولت را ببینند و علیه آن مبارزه کنند؛ چرا که این جریان‌ها بزرگ‌ترین مانع بر سر راه تغییر هستند.

آلترناتیو: با توجه به مشکلات اقتصادی، کاهش قدرت خرید و افزایش نارضایتی‌های اجتماعی، چه فاصله‌ای میان مطالبات جامعه و سیاست‌های حاکمیت شکل گرفته است؟ آیا این نارضایتی‌ها می‌توانند به نیروی سیاسی و مؤثر برای تغییر تبدیل شوند؟ برای آنکه مطالبات پراکنده اجتماعی به برنامه‌ای روشن و مدنی برای آینده تبدیل شوند، چه شرایطی باید فراهم شود؟

گلاویز اورین: سیستم سیاسی

دولت، به دلیل اینکه تغییر نمی‌کند و در برابر تحول بسته است، اکنون به سیستمی پوسیده تبدیل شده است. در چنین سیستم‌هایی، بدون شک مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سر برمی‌آورند. با وجود اینکه خلق‌های ایران گاهی برای به دست آوردن حقوق زیستی و اقتصادی خود دست به قیام زده‌اند، هدف اساسی این قیام‌ها تغییر سیستم سیاسی است.

سیستم فاسدی که تمام ثروت‌های روی زمین و زیرزمین ایران را تحت سلطه خود درآورده است، نمی‌تواند با این شیوه به حیات خود ادامه دهد. کشوری مانند ایران که از چنین ثروت عظیمی برخوردار است، چرا امروز نمی‌تواند پاسخگوی مشکلات اقتصادی جامعه باشد؟ دلیل آن وجود نهادی مافیایی به نام سپاه پاسداران است که خود را مالک تمام ثروت این کشور می‌داند. در اساس، مردم علیه همین سیستم به پا می‌خیزند.

مردم خواستار حقوق طبیعی خود هستند. تو فساد می‌کنی، تمام سرمایه و ثروت کشور را در اختیار می‌گیری، نان را از حلقوم مردم بیرون می‌کشی و برای خودت هزینه می‌کنی. پول مردم

و جمهوری اسلامی باید این واقعیت را ببیند.

آلترناتیو: در صورت وقوع تحولات سیاسی در ایران، کردستان چه جایگاهی خواهد داشت و چگونه اداره خواهد شد؟ پژاک چه الگویی برای تأمین حقوق سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مردم کردستان پیشنهاد می‌کند؟ مردم از چه راهی می‌توانند در تعیین آینده سیاسی و شیوه اداره جامعه خود نقشی مستقیم داشته باشند؟

گلاویژ اورین: همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره کردم، این سیستم پوسیده باعث شده است که امروز در ایران شاهد بحران و خطرات بزرگی باشیم. اصرار بر سیاست‌های موجود، بحران را عمیق‌تر خواهد کرد و بیش از همه، جامعه ایران از این وضعیت آسیب خواهد دید. جنگ کنونی، جنگی برای تحمیل هژمونی است، نه جنگی در راستای منافع خلق‌های ایران. هر نیرویی می‌خواهد هژمونی خود را تحمیل کند، اما اکنون سرنوشت تمام ایران به یکدیگر پیوند خورده است.

را در جنگ‌های سوریه، لبنان، عراق و یمن صرف می‌کنی؛ اما وقتی مردم این وضعیت را نمی‌پذیرند و حقوق طبیعی خود را مطالبه می‌کنند، خواسته‌هایشان را تروریزه می‌کنی و می‌گویی دست‌های خارجی در پشت این نارضایتی‌های مردمی قرار دارد. چطور ممکن است مردم چنین چیزی را بپذیرند؟

جامعه این فساد سیاسی و اقتصادی را نمی‌پذیرد اکنون میان حاکمیت ایران و جامعه فاصله و گسست ایجاد شده و مردم از این رژیم زخم خورده‌اند

حاکمیت به جای آنکه سیاست‌های خود و سیستم پوسیده و فاسدش را بازنگری کند، مردم را مقصر می‌داند. به همین دلیل، اکنون میان حاکمیت ایران و جامعه فاصله و گسست ایجاد شده و مردم از این رژیم زخم خورده‌اند. این خواسته صرفاً مطالبه‌ای پیش‌پاافتاده برای افزایش دستمزدها نیست؛ جامعه این فساد سیاسی و اقتصادی را نمی‌پذیرد

در ایران، امپراتوری‌ها و دولت‌های قدرتمند و بزرگی حکومت کرده‌اند، اما هیچ‌گاه مرتکب این اشتباه نشده‌اند که ایران را با یک حکومت کاملاً متمرکز

**ایران موزاییکی از خلق‌هاست
و نمی‌توان چنین جامعه‌ای را
با تحکیم‌های خشک و خالی**

اداره کرد

**ایران با حکومت متمرکز
اداره نمی‌شود**

نمی‌گیرد؛ برعکس، نادیده گرفتن اراده ایالت‌ها، ایران را هرچه بیشتر به‌سوی تجزیه سوق می‌دهد. دموکراسی نیز به این شکل محقق نمی‌شود. ایران موزاییکی از خلق‌هاست و نمی‌توان چنین جامعه‌ای را با تحکیم‌های خشک و خالی اداره کرد.

توجه کنید که کردستان همیشه پیشاهنگ این تغییر در ایران بوده است. کردها تنها در ایران زندگی نمی‌کنند، بلکه در چهار کشور دیگر نیز ساکن هستند. کردها از جای دیگری به ایران نیامده‌اند، بلکه صاحبان این خاک کهن هستند. باین حال، متأسفانه رژیم‌های اقتدارگرا و حاکم همواره خواسته‌اند کردها را خطری برای خود بینند و با دیده دشمنی به آنان بنگرند.

کردها می‌خواهند در خاک خود زندگی آزادانه‌ای داشته باشند و خودشان درباره سرنوشتشان تصمیم بگیرند. آنان صاحبان این خاک هستند و می‌خواهند در مدیریت سیاسی نیز صاحب‌نظر باشند. ایالت‌های گردنشین وجود دارند؛ پس چرا کردها نتوانند در کنار سایر ملت‌های ایران، اداره امور سیاسی خود را بر عهده بگیرند؟ چرا حکومت مرکزی همواره آنان را خطری برای

اداره کنند. ایران با حکومت متمرکز اداره نمی‌شود. کسانی که خواسته‌اند ایران را به‌صورت متمرکز اداره کنند، حقوق سایر ملت‌ها را نادیده گرفته‌اند یا از خودمختاری ایالت‌ها امتناع کرده‌اند، شکست خورده‌اند.

نظام ایالتی و اندیشه خودمختاری مناطق در ایران، پیشینه‌ای تاریخی و بسیار عمیق دارد. خودمختاری ایالت‌ها باید نه‌تنها در زمینه مدیریت سیاسی، بلکه در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، آیینی و تکرارگرایی نیز مورد توجه قرار گیرد. یکپارچگی ایران نیز به این شیوه شکل

خود می‌بیند؟

فشار هرگز باعث نمی‌شود که کردها سر فرود آورند؛ برعکس، کردها همواره در برابر این فشارها ایستادگی کرده‌اند و سر بر آورده‌اند. اکنون چه کسی تجزیه‌طلبی می‌کند؛ دولت یا کردها؟ رویکرد تجزیه‌طلبانه در برابر کردها باعث شده است که آنان خود را سازماندهی کنند و علیه دولت برخیزند. این وضعیت تنها به شرق کردستان محدود نیست، بلکه در سایر بخش‌های کردستان نیز به همین منوال است. سیاست انکار، نابودی و ناچیز شمردن کردها، آنان را ناگزیر به قیام و مقاومت کرده است. رویکرد در برابر کردها، سرنوشت تمام ملت‌های ایران را نیز تعیین خواهد کرد.

به همین دلیل، تقویت نظام دموکراتیک در تمام استان‌های کردستان می‌تواند الگویی دموکراتیک باشد که در دیگر استان‌های سراسر ایران نیز تحقق یابد. کردها از تجربه برخوردارند و به باور من، همواره به عنوان نیروی زنده و پویا در طول تاریخ، در کشورهایی که در آن‌ها زیسته‌اند، تأثیرگذار بوده‌اند. ائتلاف با کردها می‌تواند سرنوشت دولت‌هایی چون ایران، ترکیه، سوریه

و عراق را نیز تغییر دهد. ایران کردها را خطری برای خود می‌بیند، در حالی که باید برعکس باشد؛ به جای ایجاد ائتلافی راهبردی با آنان، کردها را در برابر خود قرار می‌دهد و با آنان دشمنی می‌کند.

توجه کنید که چرا امروز ملی‌گراترین جریان‌ها در ترکیه برای ائتلاف با کردها اهمیت قائل‌اند. آری، کردها در طول تاریخ صاحب دولت نشده‌اند، اما در میان تمامی مقام‌ها و مناصب مهم سیاسی و کشورداری، چه در ایران و چه در ترکیه، نقشی اساسی ایفا کرده‌اند. با نگاهی به تاریخ ایران و ترکیه می‌توان به این حقیقت پی برد.

در طول تاریخ، کردها تنها فرماندهان خوب یا جنگجویان ماهری نبوده‌اند؛ آنان در عرصه سیاست‌ورزی نیز نقش داشته‌اند و با فلسفه، هنر و علم هم سروکار داشته‌اند. اما تفاوت در این است که فعالیت‌هایشان را تنها برای خود انجام نداده‌اند، بلکه آن را در خدمت همگان قرار داده‌اند. دولت‌هایی که در ابتدا کردها را تجزیه کردند، همان دولت‌هایی هستند که کردها همواره در کنار آن‌ها قرار گرفته‌اند. کردها صاحبان اصلی این سرزمین

**و امکان ایجاد تغییرات اساسی
پرسش‌هایی دارند. پژاک برای
عبور از وضعیت موجود، چه
چشم‌انداز و نقشه راه سیاسی‌ای
ترسیم کرده است؟ این
چشم‌انداز چگونه می‌تواند از
سطح تحلیل و شعار فراتر برود
و به تغییراتی ملموس در زندگی
مردم منجر شود؟**

گلاویژ اورین: نقشه راه سیاسی
ما روشن است و بارها به آن اشاره
کرده‌ایم. ببینید، ما از یک حقیقت
تاریخی، یعنی ضرورت اتحاد و ائتلاف
با ملت‌ها و کردها، سخن می‌گوییم. در
درجه نخست، این پرسش مطرح است
که آیا دولت ایران واقعاً برای این امر
آمادگی دارد یا خیر.

ما خواهان ایرانی دموکراتیک هستیم
که در آن، نه تنها حقوق کردها، بلکه
حقوق تمام ملت‌ها و پیروان آیین‌های
مختلف تضمین شود. ما هرگز در برنامه
خود از تجزیه ایران سخن نگفته‌ایم؛
کسانی که ما را نمی‌شناسند چنین
ادعایی را مطرح می‌کنند. تضمین حقوق
کردها و حفاظت از آنان، بدون شک، به
دموکراتیزه شدن کل ایران گره خورده
است؛ زیرا سرنوشت ما با سرنوشت

هستند. نه تنها از مرزهای شرق کردستان،
بلکه بسیاری از مرزهای ایران نیز توسط
کردها حراست شده است. در ترکیه،
عراق و سوریه نیز همین مسئله وجود
دارد.

به همین علت بسیار اهمیت دارد که
پیش از هر چیز، نگاه و دیدگاه نسبت
به کردها تغییر کند. کردها برای هیچ
دولتی خطر نیستند و هرگز نیز نبوده‌اند.
تا زمانی که دولت‌ها با نگاهی امنیتی
و از موضع دشمنی به کردها بنگرند،
کردها از حق دفاع از موجودیت خود
دست نخواهند کشید. مبدا کسی تصور
کند که کردهای امروز همان کردهای
دیروز هستند؛ اکنون در میان کردها
عقل مشترکی شکل گرفته و آنان از
برنامه و پروژه برخوردارند. ما به عنوان
پژاک، در این زمینه موضعی روشن
داریم: انکار کردها، دولت ایران را به
بیراهه‌های تاریک خواهد کشاند؛ اما
ایجاد ائتلاف با کردها و جدی گرفتن
آنان، ایران را به سوی روشنایی سوق
خواهد داد.

**آلترناتیو: در شرایط کنونی،
بسیاری از مردم درباره آینده
سیاسی ایران و شرق کردستان**

تمام خلق‌های ایران درهم تنیده است. دولت وظیفه دارد بستری فراهم کند تا ما، به عنوان ملت‌های ایران، خودمان تصمیم بگیریم که می‌خواهیم با چه سیستمی امور خود را اداره کنیم. مسلماً، هر حکومتی که بر سر کار بیاید، هیچ اشکالی ندارد که ایالت‌ها امور خود را در چارچوب یک نظام فدرال یا غیرمتمرکز اداره کنند؛ و البته می‌دانیم که خلق‌های ایران با این موضوع بیگانه نیستند، چرا که ایران تاریخی از سیستم‌های محلی و ایالتی داشته است.

آلترناتیو: یکی از پرسش‌های اساسی درباره آینده ایران این است که اگر ساختار سیاسی موجود دستخوش تغییرات بنیادین شود، چه نیرویی و بر اساس چه برنامه‌ای می‌تواند مسئولیت دوران گذار را بر عهده بگیرد؟ از نظر شما، یک آلترناتیو دموکراتیک باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ چگونه می‌توان از تکرار تمرکز قدرت، اقتدارگرایی و حذف نیروهای سیاسی و اجتماعی در آینده جلوگیری کرد؟

گلاویز اورین: خلق‌های ایران و کردستان برای ایجاد تغییرات اساسی، هزینه‌های فراوانی داده‌اند و همچنان هزینه می‌دهند. هر روز صدها نفر در راه این هدف آزادی‌خواهانه بازداشت می‌شوند و هزاران نفر همچنان در زندان‌ها، زیر شکنجه و در معرض خطر اعدام قرار دارند. افزون بر این، اعدام به عادت جمهوری اسلامی تبدیل شده و ابزاری است که این حکومت همواره علیه آزادی‌خواهان، زنان و فعالان به کار می‌گیرد.

نقشه راه کنونی ما برای آینده ایران، ایجاد «جمهوری دموکراتیک ایران» با ساختاری غیرمتمرکز است؛ به این معنا که مرکز و حکومت مرکزی تنها تصمیم‌گیرنده نباشند. باید میان مرکز و مناطق، رابطه‌ای همزیست‌گونه برقرار باشد؛ رابطه‌ای که در آن، طرفین به حقوق یکدیگر ارزش بگذارند، آن‌ها را به رسمیت بشناسند و متقابلاً به یکدیگر احترام بگذارند.

جامعه ایران دیگر از شعارها و حرف‌های کلیشه‌ای به ستوه آمده است. ارزش سخنان زمانی مشخص می‌شود که پشتوانه عملی داشته باشند. دیگر یک حزب به تنهایی نمی‌تواند خواسته‌های

خلق‌های ایران را نمایندگی کند؛ فراتر از یک حزب، باید سازمان یا جبهه‌ای فراگیر از خلق‌ها بنا کنیم. در این زمینه، نمونه‌ای مانند «کنگره آزادی ایران» حائز اهمیت است؛ اما این کنگره باید تمام ملت‌های ایران را زیر چتر خود جای دهد. همچنین، فعالیت آن نباید تنها روی

**دیگر یک حزب به تنهایی
نمی‌تواند
خواسته‌های
خلق‌های ایران را نمایندگی
کند**

**فراتر از یک حزب، باید
سازمان یا جبهه‌ای فراگیر از
خلق‌ها بنا کنیم**

کارمندان و معلمان را نیز در بر بگیرد. افراد متعلق به هر ملت، دین و آیین و از هر بخش جامعه ایران می‌توانند، در هر زمان، نه تنها در خارج از کشور، بلکه اساساً در داخل ایران نیز، به عنوان بخشی از کنگره آزادی سازماندهی شوند. به راحتی می‌توان گفت که تمام گروه‌های شرق کردستان می‌توانند اعضای «ائتلاف کردی» و تمام ایرانیان اعضای «کنگره آزادی ایران» به شمار روند. این ساختارها به چند حزب خاص تعلق ندارند؛ هر کس که دغدغه دموکراتیزه کردن ایران را داشته باشد، می‌تواند در آن‌ها جای بگیرد.

اگر فرصتی برای تحقق چنین امری فراهم شود، بسیار ارزشمند خواهد بود. برای مثال، در داخل مجلس ایران می‌توان گروه‌هایی متشکل از نمایندگان تمام ایالت‌ها تشکیل داد. من می‌گویم به جای نمایندگان انتصابی، اجازه دهید گروه‌های ایالتی وجود داشته باشند؛ مثلاً نمایندگان ایالت آذربایجان غربی با مرکزیت ارومیه، که رنگین کمان از گروه‌های مختلف اتنیکی است. با این شیوه می‌توانیم به تدریج پایه‌های ایران دموکراتیک را بنا کنیم.

کاغذ باقی بماند، بلکه باید از درون ایران آغاز شود و شاخه‌های گوناگون خود را سازماندهی کند. کنگره آزادی اکنون باید در داخل ایران نیز اعضای داشته باشد.

این ساختار می‌تواند نه تنها افراد، بلکه نهادها و سازمان‌های گوناگون زنان، کارگران و سندیکاهای مدافعان محیط زیست، سیاستمداران، هنرمندان،

می‌کند. اگر از همین حالا اتحاد خود را شکل ندهیم، کسانی خواهند آمد و به جای ما تصمیم خواهند گرفت. از همین حالا مشخص است که قدرت‌های جهانی تلاش می‌کنند افراد موردنظر خود را به قدرت برسانند.

ما یک جامعه هستیم؛ نباید اجازه دهیم دیگران به جای ما تصمیم بگیرند
اگر از همین حالا اتحاد خود را شکل ندهیم و درباره سرنوشت آینده ایران به بحث نپردازیم، کسانی خواهند آمد و به جای ما تصمیم خواهند گرفت

برای جلوگیری از این وضعیت، باید در درجه نخست خواسته‌های خود را پیش ببریم؛ زیرا ما یک جامعه هستیم. اگر خواسته‌های خود را بیان نکنیم و بر آن‌ها پافشاری نداشته باشیم، کسانی پیدا خواهند شد که بخواهند به جای ما سخن بگویند و تصمیم بگیرند. به

آلترناتیو: آینده سیاسی ایران بدون تعیین تکلیف مسئله حقوق ملیت‌ها، تنوع فرهنگی و تمرکز قدرت، با پرسش‌های اساسی روبه‌رو خواهد بود. پژاک چه الگویی برای حل دموکراتیک مسئله کردستان و تأمین حقوق دیگر جوامع ملی و فرهنگی ایران پیشنهاد می‌کند؟ در یک ساختار سیاسی دموکراتیک، رابطه میان مرکز و مناطق مختلف کشور چگونه باید تعریف شود تا حق مشارکت و تصمیم‌گیری مردم تضمین شود؟

گلاویژ اورین: آلترناتیو دموکراتیک زمانی شکل می‌گیرد که مردم در کنار یکدیگر گرد آیند و میان خلق‌ها همبستگی ایجاد شود. در آن صورت است که می‌توانند درباره سرنوشت خود به بحث و گفت‌وگو بنشینند. ما در روند گذار قرار داریم و مسئولیت بزرگی بر دوش همه ماست. بگذارید زنان و جامعه آلترناتیو خود را خودشان تعیین کنند. ما نیز اهمیت فراوانی برای این مسئله قائلیم؛ زیرا جنبش ما بر اساس آزادی زن خود را سازمان‌دهی

همین دلیل، شکل دادن به آینده ایران در
دستان خود ماست.

که سر خم کنیم.
اگر قرار بود خلق‌های ایران سر خم

ایران دموکراتیک، ایرانی
یکپارچه است، نه تجزیه شده
اصرار بر سیاست انکار، ایران
را بیش از پیش به سوی
تجزیه سوق خواهد داد

آلترناتیو: چهار سال پس از
انقلاب «ژن ژیان آزادی»، چه
چیزهایی در جامعه ایران واقعاً
تغییر کرده و چه مسائلی همچنان
به قوت خود باقی مانده‌اند؟ از
نگاه شما، چرا انرژی و همبستگی
شکل گرفته در آن دوران هنوز به
نیروی اجتماعی، سازمان یافته
و پایدار تبدیل نشده است؟
سرکوب حکومتی، اختلافات
سیاسی و عملکرد جریان‌های
مخالف، هر کدام چه سهمی در
این وضعیت داشته‌اند؟

گلاویز اورین: همان‌طور که
پیش‌تر اشاره کردم، حقوق ملت گُرد
و تمامی جوامع ایران باید تضمین شود.
هر کسی حق دارد به زبان مادری خود
تحصیل کند و دیدگاه‌ها و آیین‌هایش
را آزادانه بیان کند. اگر دولت برای
خواسته‌های ما احترام قائل شود، ما نیز
متقابلاً به آن احترام خواهیم گذاشت؛
اما اگر بر سیاست‌های فشار، اعدام،
بازداشت و نقض حقوق اصرار بورزد،
به هیچ وجه نباید از ما انتظار داشته باشد

کنند، این همه هزینه نمی‌دادند. ما از
زمان انقلاب «ژن ژیان آزادی» تا همین
لحظه، هزاران عزیز را از دست داده‌ایم.
ما هرگز خواهان تجزیه ایران نیستیم؛
ایران دموکراتیک، ایرانی یکپارچه
است، نه تجزیه شده. اصرار بر سیاست
انکار، ایران را بیش از پیش به سوی
بحران سوق خواهد داد؛ وضعیتی که
به هیچ وجه به سود خلق‌های ایران
نیست.

آلترناتیو: شعار «ژن ژیان
آزادی» توانست فراتر از مرزهای
کردستان طنین‌انداز شود؛
باین حال، تبدیل این شعار به
تغییری واقعی و پایدار در زندگی

آزادی» را به کار برد، گفت: «این شعار، شعاری سحرانگیز است؛ به هر جا برسد، تغییرات بزرگی ایجاد خواهد کرد!» و در واقع نیز چنین شد. اینکه چرا نیروی عظیمی که در آن

زنان همچنان با موانع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روبه‌روست. از دیدگاه پژاک، تحقق آزادی زنان مستلزم چه تغییراتی در ساختار جامعه است؟ پژاک چه جایگاهی برای زنان در اداره جامعه، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و شکل‌دهی به آینده‌ای دموکراتیک قائل است؟

گلاویز اورین: از نام انقلاب «ژن ژیان آزادی» پیداست که با یک انقلاب واقعی روبه‌رو هستیم؛ انقلاب یعنی تغییر. البته هر انقلاب یا تغییری لزوماً قرار نیست در زمانی کوتاه به نتیجه‌ای معین برسد. دستاوردهای این انقلاب بسیار زیاد است؛ از جمله اینکه نقش پیشاهنگ زنان در جامعه ایران آشکار شد و زنان قدرت خود را شناختند. در کنار تمامی سرکوب‌ها، دیدیم که جامعه ایران از نیرویی زنده و پویا برخوردار است و همچنان پتانسیل تغییر را دارد.

نکته اساسی دیگر این است که مردان نیز در کنار زنان ایستادند. مشارکت مردان در این خیزش نشان‌دهنده تحولی در بینش است و این خود دستاوردی بزرگ به شمار می‌رود. رهبر آپو هنگامی که نخستین بار شعار «ژن ژیان

آزادی زن در مرکز تمامی آزادی‌ها قرار دارد

تا زمانی که زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی حضور نداشته باشند، یک پای جامعه همواره لنگ خواهد بود

مقطع سربر آورد، هنوز کاملاً سازمان‌یافته نشده است، دلایل بسیاری دارد؛ از جمله فشار بسیار زیاد دولت، صدور احکام اعدام و بازداشت‌های گسترده. ما نیز به‌عنوان بخشی از جامعه ایران، در زمینه اتحاد سیاسی و اجتماعی با کاستی‌هایی روبه‌رو بوده‌ایم و نباید تنها به دستاوردهای اولیه بسنده کنیم. جریانی که بخواهد «ژن ژیان آزادی» را به موضوعی سطحی مانند حجاب تقلیل دهد، در عمل به جمهوری اسلامی خدمت کرده است. آزادی و دموکراسی

زمانی معنا پیدا می کنند که در بینش انسان ها ریشه دوانند.

ما در پژاک این اصل را در عمل به اجرا درمی آوریم. در ساختار ما «ریاست مشترک» حاکم است و زنان در تمامی تصمیم گیری ها نقش برابر و تعیین کننده دارند. سازمان مستقل زنان ما با نام «کژار» (KJAR) و نیروی نظامی زنان با نام «HPJ» فعالیت می کنند. سطح آزادی زنان، شاخص اصلی سنجش آزادی در جامعه است و ما هرگز اجازه نخواهیم داد این حقیقت بنیادین نادیده گرفته شود.

آلترناتیو: بحران اقتصادی برای بسیاری از خانواده ها دیگر مسئله ای صرفاً سیاسی یا انتزاعی نیست، بلکه مستقیماً با نان، مسکن، درمان و آینده فرزندان شان گره خورده است. پژاک چه راهکارهای مشخصی برای تحقق عدالت اقتصادی، حمایت از کارگران و کشاورزان و کاهش نابرابری پیشنهاد می کند؟

گلاویژ اورین: بدون شک، فشار زیادی بر کارگران، اصناف، معلمان و سندیکاها وارد می شود؛ اما نباید این

ا فشار در برابر این فشارها تنها بمانند. جریان های سیاسی باید بیشترین حمایت را از این اعتراضات به عمل آورند. نباید چنین باشد که کارگران و زحمتکشان هزینه بدهند و جنبش های سیاسی تنها تماشاگر باشند. ما باید خود را در آنها و آنها خود را در ما ببینند و به مطالبات بحق این اقشار پاسخ گو باشیم.

آلترناتیو: خشکسالی، کمبود آب، آتش سوزی جنگل ها، تخریب زاگرس و آسیب به منابع طبیعی از جمله نگرانی های جدی مردم هستند. چرا محیط زیست هنوز جایگاه متناسبی در گفت وگوهای سیاسی ندارد؟ پژاک چه الگویی برای مشارکت مردم محلی، به ویژه روستاییان و زنان، در حفاظت از طبیعت پیشنهاد می کند؟

گلاویژ اورین: نظام سیاسی موجود در ایران در سیاست های خود در قبال محیط زیست نیز خطاهای بزرگی مرتکب می شود. نظامی اقتدارگرا که بر جامعه خشونت روا می دارد، در برخورد با طبیعت نیز با بینشی تخریب گرانه عمل می کند. سیاست سوزاندن و ویران سازی

طبیعت در سراسر ایران به رویه‌ای سیستماتیک تبدیل شده است. پیشنهاد ما این است که صیانت

بر فشارهای حکومتی، ممکن است با مشکلاتی مانند خشونت خانگی، ازدواج اجباری، محرومیت اقتصادی و محدودیت‌های اجتماعی روبه‌رو باشند. چگونه می‌توان با این مشکلات مقابله کرد؟

گلاویز اورین: عمیق‌تر شدن بحران‌ها و جنگ، مشکلات اجتماعی فراوانی به همراه می‌آورد و متأسفانه زنان همواره از قربانیان اصلی این شرایط هستند. پس از آغاز بحران‌های اخیر در ایران، آمار خشونت علیه زنان و خشونت خانوادگی افزایش یافته است.

رژیم دقیقاً همین را می‌خواهد؛ یعنی درگیر کردن جامعه با مسائل فرساینده تا نارضایتی‌ها کاهش یابد. حاکمیت پوسیده کنونی است که فرهنگ خشونت را در جامعه گسترش می‌دهد تا بقای خود را تضمین کند. خشونت علیه زنان مسئله‌ای سیاسی است و مستقیماً با سیاست‌های دولت پیوند دارد و نباید صرفاً برخوردی فردی با آن داشت.

آلترناتیو: در بیانیه اخیر YRK درباره حملات ایران به گریلاها در منطقه شاهو، چه نکات

حفاظت از طبیعت بیش از همه وظیفه زنان است
مبارزه برای حفاظت از محیط‌زیست نباید تنها به فعالیت چند تن از دوستان از طبیعت و فعالان محدود شود، بلکه این وظیفه هر انسان وطن‌دوستی است

از خاک و سرزمین، وظیفه هر انسان میهن‌دوستی است. مبارزه برای حفاظت از محیط‌زیست نباید تنها به فعالیت چند فعال محدود شود. به باور من، زنان در این زمینه می‌توانند نقش اصلی را ایفا کنند؛ چرا که میان زن و طبیعت پیوندی قدرتمند وجود دارد و ما باید فعالیت‌های حامیان محیط‌زیست را در سراسر کردستان و ایران گسترش دهیم.

آلترناتیو: زنان و دختران در شهرهای کوچک و روستاها، علاوه

و پیام‌هایی از نظر سیاسی و میدانی قابل توجه است؟

گلاویز اورین: نیروهای ما در داخل خاک شرق کردستان برای دفاع از مردم مستقر شده‌اند. در شرایط خطیر کنونی، نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و خلق خود را بدون دفاع رها کنیم. اگر دولت به نیروهای ما حمله کند، مسلماً از حق دفاع مشروع خود استفاده خواهیم کرد. ما خواهان جنگ با ایران نیستیم، اما اگر حملات ادامه یابد، موضع‌گیری ما متناسب با آن خواهد بود. رژیم با دولت‌های مختلف پشت یک میز مذاکره می‌نشیند؛ پس چرا ترجیح نمی‌دهد با کردها و جریان‌های اپوزیسیون ایران نیز گفت‌وگو کند؟ جمهوری اسلامی باید از این خطای تاریخی دست بردارد.

آلترناتیو: شما در مصاحبه اخیرتان گفته‌اید که در شرایط کنونی ایران، زمینه‌ای برای «ادغام دموکراتیک» وجود ندارد و ابتدا باید تغییرات سیاسی رخ دهد. «انتگراسیون دموکراتیک» دقیقاً به چه معناست و چه تفاوتی با تسلیم

سیاسی دارد؟

گلاویز اورین: ما خود را برای هر احتمالی در ایران آماده می‌کنیم. «انتگراسیون دموکراتیک» یا همگرایی دموکراتیک زمانی تحقق می‌یابد که طرف مقابل، تو را بشناسد و موجودیت، هویت و حقوق را به رسمیت بشناسد. کردها نیز صاحب این خانه و کشور هستند؛ زیرا در روند سازندگی ایران رکش و تلاش فراوانی صرف کرده‌اند. اکنون برخی افراد صحبت از ادغام در

گفت‌وگو نمی‌کنیم تا تسلیم شویم؛ گفت‌وگو می‌کنیم تا ما را بشناسند و به حقوقمان احترام بگذارند
آزادی با احترام تحقق می‌یابد؛
آزادی با به رسمیت شناختن حقوق معنا پیدا می‌کند

ساختار موجود می‌کنند؛ اما این ادغام با چه ضمانتی صورت می‌گیرد؟ وقتی طرف مقابل تو را سرکوب می‌کند و انکار می‌نماید، چگونه می‌توان به او اعتماد کرد؟ ما برای گفت‌وگو با

می‌کند و در جامعه‌ای دموکراتیک است که آزادی معنای واقعی خود را می‌یابد. باید به این اصل باور داشت.

ایران آماده‌ایم، اما نه برای تسلیم شدن؛ بلکه تا حقوق ما را به رسمیت بشناسد. گفتگو برای به رسمیت شناختن حقوق ما خواهد بود. این رژیم باید در گام نخست با خلق‌گرد و دیگر خلق‌های ایران صلح کند و از سیاست‌های خصمانه خود دست بردارد.

مراحل گفت‌وگو و صلح مشخص است، اما باید با جسارت وارد این مسیر شویم. اگر جمهوری اسلامی از این گزینه روی‌گردان شود، جنگی بزرگ در پیش خواهد بود. وقوع چنین جنگی، بستر گفت‌وگو و راه‌حل‌های دموکراتیک را نیز از بین خواهد برد. برای جلوگیری از بحران‌های بزرگ‌تر، باید راه‌های حل و فصل مسائل را در نظر بگیریم.

ایران آزاد و دموکراتیک، رؤیا و آرزوی همه ماست. فرهنگ دموکراتیک برای ما اهمیت بسیار زیادی دارد؛ با تکیه بر این فرهنگ است که می‌توانیم به سخنان یکدیگر گوش دهیم، نه اینکه یکدیگر را رد کنیم. سیاست انکار و رد کردن سال‌هاست که ادامه دارد، اما به هیچ نتیجه‌ای نرسیده و نخواهد رسید. آزادی با احترام تحقق می‌یابد؛ آزادی با به رسمیت شناختن حقوق معنا پیدا

ALTERNATIVE
POLITICAL, IDEOLOGICAL & SOCIAL MAGAZINE



شماره ۱۴۰۵
سال چهاردهم / دوره‌ی چهارم / شماره هجدهم

آلترنیو